

پژوهش‌های راهبردی امنیت و نظم اجتماعی

سال اول، شماره دوم، تابستان ۱۳۹۱

دریافت: ۹۰/۱۱/۱۸ پذیرش: ۹۱/۴/۱۵

صص ۶۷-۸۲

## تأثیر برنامه هسته‌ای ایران بر امنیت ملی ترکیه (در پرتو تئوری توازن قوا)

حسین مسعودنیا، استادیار گروه علوم سیاسی دانشگاه اصفهان\*  
داود نجفی، دانشجوی دکتری علوم سیاسی دانشگاه اصفهان  
عاطفه فروغی، کارشناس ارشد علوم سیاسی دانشگاه اصفهان

### چکیده

از زمان آغاز برنامه هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران، این موضوع همیشه در سطح جهانی و منطقه‌ای واکنش‌ها و مخالفت‌هایی را در پی داشته است، اما پس از انتخاب احمدی‌نژاد به عنوان رئیس‌جمهور ایران و تمایل وی به پیشبرد برنامه هسته‌ای، مخالفت غربی‌ها با این روند شدت بیشتری یافت، تا جایی که به صدور تحریم‌های متعدد علیه ایران منجر شد. در این میان، یکی از کشورهایی که همواره سعی کرد به عنوان یک میانجی بین‌المللی بین ایران و اتحادیه اروپا و ایالات متحده (گروه ۵+۱) عمل کند و طرفین را به حل دیپلماتیک این منازعه تشویق کند، ترکیه بود. لذا با توجه به چنین پیشینه‌ای، مقاله حاضر در صدد است تا رابطه بین برنامه هسته‌ای ایران و امنیت ملی ترکیه را در پرتو تئوری توازن قوا تجزیه و تحلیل کند. یافته‌های پژوهش مؤید این فرض است که نگرانی ترکیه در مورد برنامه هسته‌ای ایران در چارچوب امکان تغییر توازن قوا در منطقه بر اثر دستیابی جمهوری اسلامی به انرژی هسته‌ای قابل تحلیل و ارزیابی است؛ چرا که تحقق این امر موفقیت ترکیه در دستیابی به اهداف تعریف شده خود در چارچوب سیاست نئوعثمانی‌گرایی را با چالش مواجه می‌کند.

**واژه‌های کلیدی:** ایران، ترکیه، سیاست خارجی، برنامه هسته‌ای، میانجیگری

## مقدمه

از سال ۲۰۰۳ میلادی و آغاز پرونده اتمی ایران و مذاکرات آن با سه کشور اروپایی، انگلیس، فرانسه و آلمان و سپس گروه ۵+۱ متشکل از پنج عضو دائم شورای امنیت سازمان ملل بعلاوه آلمان، ترکیه تلاش کرده تا به نوعی در این مسأله ورود پیدا کند و در نتیجه همین تلاش‌ها، یک دور مذاکرات ایران با گروه ۵+۱ در سال ۲۰۱۱ میلادی در استانبول برگزار شد. پس از این مذاکرات احمد داوود اوغلو وزیر خارجه ترکیه بارها با مقامات ایرانی و "کاترین اشتون" مسؤول سیاست خارجی اتحادیه اروپا و مذاکره کننده اصلی گروه ۵+۱ دیدار و مذاکره کرد تا سرانجام موفق شد زمینه دور بعدی مذاکرات ایران و گروه ۵+۱ را بار دیگر در استانبول فراهم کند. به دنبال این تلاش‌های دیپلماتیک وزیر خارجه ترکیه، مجدداً مذاکرات ایران و گروه ۵+۱ در آوریل ۲۰۱۲ (فروردین ۱۳۹۱) در استانبول برگزار شد. متعاقب این نشست مقرر گردید دور بعدی مذاکرات در بغداد انجام شود. پس از مذاکرات بغداد نیز دور بعدی مذاکرات ایران و گروه ۵+۱ در ژوئن ۲۰۱۲ در مسکو برگزار شد و در طی این نشست مقرر گردید که دور بعدی مذاکرات مجدداً در استانبول برگزار شود. این سیاست میانجیگری ترکیه در رابطه با برنامه هسته‌ای ایران در راستای اصول حاکم بر سیاست خارجی جدید ترکیه موسوم به نئوعثمانی گرای است. آنکارا در قالب این سیاست جدید، اهدافی از قبیل تلاش برای احیای قدرت امپراتوری عثمانی، تلاش در جهت رهبری مناطق پیرامونی خود، ارائه الگویی برای کشورهای منطقه، تبدیل شدن به قدرت اقتصادی برتر در منطقه، ایفای نقش در مدیریت بحران‌های منطقه‌ای و بین‌المللی و گسترش

مبادلات تجاری با کشورهای منطقه را دنبال می‌کند. بالطبع پیگیری این اهداف نیز در راستای تأمین منافع ملی ترکیه است. بنابراین، به نظر می‌رسد که میانجیگری در برنامه هسته‌ای ایران با منافع ملی ترکیه ارتباط مستقیمی پیدا می‌کند؛ موضوعی که مقاله حاضر آن را ارزیابی می‌کند. بنابراین، پرسش‌های اساسی مقاله به شرح زیر است:

۱. ترکیه امنیت خود در پرتو سیاست نئوعثمانی گرای را چگونه تحلیل می‌کند؟
۲. موضوع هسته‌ای ایران چگونه امنیت ترکیه در این چارچوب را به چالش می‌کشد؟

مفروض مقاله بر این است که علت نگرانی ترکیه از برنامه هسته‌ای ایران و تلاش این کشور برای حل این مسأله رابطه مستقیمی با امنیت ملی ترکیه دارد؛ چرا که این امر تحقق اهداف سیاست خارجی ترکیه در قالب نئوعثمانی گرای را با چالش مواجه می‌کند. این چالش از طریق برهم خوردن توازن قوا در منطقه به نفع ایران از طریق دستیابی این کشور به انرژی هسته‌ای اتفاق می‌افتد. مقاله حاضر با استفاده از روش توصیفی-تحلیلی و گاه تحلیل محتوایی به همراه بهره‌مندی از منابع کتابخانه‌ای و اینترنتی در صدد پاسخگویی به سؤال‌های مطروحه و بررسی فرضیه فوق است. بدین منظور، بر اساس تئوری توازن قوا، ابتدا دکنترین امنیت ملی ترکیه در چارچوب تئوری عمق استراتژیک داود اوغلو تجزیه و تحلیل خواهد شد و سپس نگرانی ترکیه مبنی بر امکان تغییر توازن قوا در منطقه به نفع ایران بر اثر دستیابی این کشور به انرژی هسته‌ای واکاوی خواهد شد. در پایان نیز چشم انداز میانجیگری ترکیه در این رابطه و موانع پیش رو بررسی می‌شود.

### چارچوب نظری پژوهش

موازنه قدرت از جمله پایدارترین مفاهیم نظری در حوزه روابط بین‌الملل است که علی‌رغم برخی تفاوت‌ها بیش از سایر نظریات در ادبیات معاصر مورد نقل قول قرار گرفته است. توازن قوا دارای معانی مختلفی است و تحلیلگران این تئوری نتوانسته‌اند بر معنای واحدی اتفاق کنند. برخی آن را وضعیت یا شرایطی دانسته‌اند که رضایت خاطر نسبتاً گسترده‌ای از توزیع قدرت وجود دارد. به عبارت دیگر، قدرت‌های مهم و عمده از نحوه توزیع قدرت راضی هستند. عده‌ای معتقدند که توازن قوا به نظام و سیستمی اشاره دارد که بازیگران اصلی، هویت، تمامیت و استقلال خود را از طریق فرایند ایجاد توازن، تأمین و حفظ می‌کنند. بنابر تعریف برخی محققان دیگر، موازنه قدرت، قانون رفتار دولت‌هاست، بدین معنا که آنان در صورت رویارویی با قدرتی متجاوز و برهم‌زننده تعادل، به تأسیس یک ائتلاف متوازن‌کننده مبادرت ورزیده، از ظهور قدرتی مسلط و برتر جلوگیری می‌کنند (دوئرتی و فالتز، ۱۳۷۲: ۶۷).

موازنه در واقع رفتار یک دولت است که به لحاظ علی با تمرکز سیستمیک قدرت پیوند خورده است. اگرچه موازنه صرفاً قدرت محور نیست، اما ترس از قدرت در یک محیط آنارشیک، هدایت دولت‌ها را در سیستم به سمت موازنه در برابر یکدیگر به دنبال دارد. در شرایط آنارشی، دولت‌ها به صورت مداوم نگران امنیتشان در سیستم هستند و این نگرانی باعث تحریک دولت‌ها به سمت ارائه رفتاری توازن بخش به عنوان یک رفتار خودپار خردمندانه می‌شود؛ چرا که هیچ اقتدار مرکزی که دیگر بازیگران را در صورت انحراف به سمت استفاده از اجبار علیه دیگران تنبیه کند، وجود ندارد. والتز<sup>۱</sup> در این

خصوص یادآور می‌شود که: هدف نهایی هر دولت، تحصیل امنیت است؛ زیرا دولت‌ها هیچ‌گاه نمی‌دانند چه میزانی از امنیت در یک سیستم آنارشیک برایشان کفایت می‌کند. افزایش قدرت تمرکز یافته در جهان تک قطبی، ماهیت آنارشیک سیستم بین‌المللی را تغییر نمی‌دهد و همچنین، ترس دولت‌ها از قدرت و تمایلشان برای کسب امنیت را نیز اصلاح نمی‌کند (Waltz, 1979: 48). مفهوم موازنه قوا، بنا به مقتضیات گوناگون اوضاع بین‌المللی، معانی گوناگونی، چون توزیع قدرت، تعادل قوا بین دو یا چند قدرت متخاصم، و تفوق نیرو پیدا کرده است؛ مثلاً ارنست‌هااس<sup>۲</sup> برای مفهوم موازنه قدرت هشت معنا و مارتین وایت<sup>۳</sup> ۹ معنا، و بالاخره کنت والتز<sup>۳</sup> ۱۰ معنا در نظر گرفته‌اند. اما در کلیه این مفاهیم گوناگون، نوعی اتفاق نظر نسبت به موجودیت مفهوم قدرت وجود دارد. منظور آن است که در بطن تئوری موازنه قوا این فرض نهفته است که همه روابط بین‌المللی، ناشی از منافع ملی است که از طریق قدرت کسب می‌شود (سیف زاده، ۱۳۸۵: ۴۹).

علی‌رغم قدرت و سابقه تبیینی تئوری توازن قوا، تحولات پس از جنگ سرد پرسش‌های اساسی را پیرامون توان تبیینی این نظریه در سیاست بین‌الملل به وجود آورده است؛ تا جایی که برخی قدرت تبیین این نظریه در شرایط کنونی را به تقریب ناچیز معرفی کرده و حتی بیان داشته‌اند که این عبارت تنها کلمات صرفی را بیان می‌کند که اندیشه‌ای از آن به ذهن متبادر نمی‌شود.

### دکترین امنیت ملی ترکیه

نحوه تکامل و تحول تدریجی «حزب عدالت و توسعه» بر سیاست خارجی این حزب تأثیر بسیار

<sup>2</sup> Ernst Haas

<sup>3</sup> Martin White

<sup>1</sup> Waltz

۹۶۴). با توجه به نقش کلیدی و تأثیرگذاری که احمد داوود اوغلو، وزیر امور خارجه ترکیه در شکل دهی و اجرای سیاست خارجی ترکیه پس از روی کار آمدن حزب عدالت و توسعه داشته است، برای درک و شناخت سیاست خارجی ترکیه و اهداف آن در منطقه خاورمیانه، ناگزیر باید تحلیل را از اندیشه‌های وی شروع کرد. داوود اوغلو مهمترین دیدگاه‌های خود را در قالب دو گفتمان «عمق استراتژیک» و «به صفر رساندن اختلافات با همسایگان» عرضه کرده است. دکترین «عمق استراتژیک» که در کتابی به همین نام منتشر شده، بیان کننده این است که ارزش یک کشور در روابط بین الملل، از موقعیت ژئواستراتژیک و عمق تاریخی آن نشأت می‌گیرد. بر همین اساس ژئوپلیتیک، هسته اصلی این دکترین را تشکیل می‌دهد و مؤلفه‌های دیگری چون تأکید بر قدرت نرم، تلاش برای میانجیگری و حل بحران‌های منطقه‌ای و بین‌المللی و اتخاذ راهبرد برد - برد در ارتباط با دیگر کشورها، این دکترین را تکمیل می‌کند.

در این دکترین، داوود اوغلو استدلال می‌کند که «ترکیه به دلیل موقعیت جغرافیایی و تاریخی خاص خود دارای عمق استراتژیک است» و به همین علت باید در ردیف کشورهای منحصر به فرد قرار گیرد و به عنوان یک قدرت مرکزی محسوب شود. این دکترین بر این باور است که ترکیه باید نقش رهبری مناطق پیرامونی خود را به عهده بگیرد و اهمیت استراتژیک جهانی برای خود کسب کند. اینجاست که پای دکترین دوم؛ یعنی «دکترین به صفر رساندن مشکلات با همسایگان» به میان کشیده می‌شود. طبق دکترین مذکور، ترکیه برای اینکه بتواند به رهبر منطقه‌ای تبدیل شود و اهمیت استراتژیک بین‌المللی پیدا کند، باید با همسایگان خود روابط دوستانه

زیادی گذاشته است. این حزب علی‌رغم «حزب رفاه»<sup>۱</sup> و «حزب نجات ملی»<sup>۲</sup> (که عدم ارتباط با غرب به عنوان مهمترین رکن سیاست خارجی آنها بود) همچنان تلاش نمود روابط خود با غرب، بویژه با اتحادیه اروپا را حفظ نماید. علاوه بر این، با حمله ایالات متحده به عراق در سال ۲۰۰۷ این کشور کوشش کرد تا نقش فعالی را در خاورمیانه، قفقاز، آسیای مرکزی و بالکان ایفا نماید. البته، حفظ ارتباط با غرب و ایفای نقش در مناطق دیگر همچون خاورمیانه و آسیای مرکزی، قبل از روی کار آمدن حزب عدالت و توسعه نیز از اهمیت بسیار زیادی برخوردار بود؛ به گونه‌ای که اوزال توجه بسیار زیادی به آسیای مرکزی داشت، اما تعمیق روابط با غرب و گسترش حضور در مناطق مهم دنیا، همچون خاورمیانه و آسیای مرکزی با روی کار آمدن حزب عدالت و توسعه و تحت تأثیر دکترین عمق استراتژیک داوود اوغلو - که بعداً مشاور اردوغان در امور خارجه گردید - از اهمیت بسیار زیادی برخوردار شد. مهمترین مؤلفه این دکترین این بود که ارزش‌های ملی یک ملت در روابط بین‌الملل تحت تأثیر موقعیت ژئواستراتژیک آن ملت قرار دارد. بر همین اساس، ترکیه به علت دارا بودن موقعیت ژئوپلیتیک بسیار حساس و کنترل بسفر می‌تواند نقش بسیار مهمی در منطقه خاورمیانه و در ارتباط با غرب بازی نماید. علاوه بر این، این دکترین بر اهمیت پیوندهای تاریخی و فرهنگی دیرینه ترکیه با بالکان، آسیای مرکزی و خاورمیانه تأکید می‌نماید. بر همین اساس، ترکیه می‌تواند با ایجاد ائتلاف‌های چندجانبه منطقه‌ای به یک موازنه معکوس با غرب دست یابد و از آزادی عمل بسیاری در زمینه مسائل منطقه‌ای و بین‌المللی برخوردار گردد. (Murinson, 2006:945)

<sup>۱</sup> Welfare Party

<sup>۲</sup> National Salvation Party

- توازن بین آزادی و امنیت؛
- تنش زدایی در سیاست خارجی منطقه‌ای؛
- سیاست‌های چند بعدی؛
- دیپلماسی انعطاف پذیر؛
- دیپلماسی متوازن (Davutoglu, 2012: 1-9).

### توازن بین آزادی و امنیت

پس از حوادث تروریستی ۱۱ سپتامبر، مسائل امنیتی اهمیت و اولویت بیشتری نسبت به بسیاری از مسائل دیگر یافته‌اند و امنیت تمرکز گفتمان بین‌المللی را اشغال کرده است. بر این اساس، به منظور جلوگیری از فعالیت‌های تروریستی شبیه ۱۱ سپتامبر، بسیاری از کشورها ترتیبات امنیتی خود را که به طور خودکار به محدود کردن دامنه آزادی‌های فردی می‌انجامد، افزایش داده‌اند. در برخی از کشورها، با تصویب اقدامات احتیاطی ضد تروریسم (قوانین و غیره) برخی از آزادی‌های فردی به وضوح برای امنیت بیشتر قربانی شده‌اند. بر این اساس دولت‌هایی که به میزان در خور توجهی به دنبال محدود کردن آزادی به منظور تأمین امنیت هستند، یا رژیم‌های اقتدارگرا هستند و یا به زودی به رژیم‌های اقتدارگرا تبدیل خواهند شد.

ترکیه واقعاً در عصر پس از ۱۱ سپتامبر، موردی استثنایی است. بر خلاف بسیاری از کشورها، ترکیه به افزایش دامنه آزادی‌های فردی پس از ۱۱ سپتامبر مطابق با اصلاحات سیاسی آن و به منظور برآوردن معیارهای سیاسی کپنهاگ برای پیوستن به اتحادیه اروپا ادامه داده است (Sozen, 2010:15). بدین منظور، ترکیه از سال ۲۰۰۲ موقعیت ترویج آزادی‌های مدنی را بدون تضعیف امنیت حفظ کرده است. این هدف بلندپروازانه و در عین حال ارزشمند است؛ به ویژه در محیط پس از ۱۱ سپتامبر و تحت

برقرار کرده، مشکلات و اختلافات فیما بین را از بین بردارد (صولت، ۱۳۹۰). عمده‌ترین و اصلی‌ترین هدف ترکیه در این چارچوب، رسیدن به بیشترین میزان همگرایی و همکاری با همسایگان، با این رویکرد است: «زدودن همه اختلافات و تنش‌های موجود و افزایش ثبات در منطقه، از طریق وابستگی متقابل اقتصادی و جستجوی مکانیسم‌های ابتکاری و کانال‌های حل اختلافات با تشویق اقدامات مثبت و ایجاد پل‌های میان فرهنگی با ایجاد گفتمان و فهم مشترک (Davutoglu, 2010:13).

بر این اساس، مؤلفه‌های تشکیل دهنده دکترین عمق استراتژیک داود اوغلو را می‌توان چنین نام برد: (۱) ترکیه باید نقش پررنگ، فعال و متناسب با تاریخ پرشکوه گذشته و عمق جغرافیایی خود ایفا کند؛ (۲) برای اجرای بهتر آن باید بر روی قدرت نرم خود سرمایه‌گذاری کند؛ چرا که به نظر او کشورش با همه مناطق ذکر شده دارای روابط تاریخی و فرهنگی است؛ (۳) نهادهای سیاسی داخلی این کشور می‌توانند الگویی برای کشورهای این مناطق باشند؛ (۴) اقتصاد آن بازوی قدرتمندی برای پشتیبانی از این روابط است؛ (۵) باید در مدیریت بحران‌های منطقه‌ای و بین‌المللی نقش مهمی را ایفا کند؛ (۶) با همکاری اقتصادی، سیاسی و امنیتی با کشورهای منطقه، نیاز به مداخله قدرت‌های خارجی را از بین ببرد و (۷) به جای التماس و صرف هزینه‌های گزاف برای پیوستن به اتحادیه اروپا، باید روی کشورهای منطقه سرمایه‌گذاری کند؛ بویژه کشورهایی که زمانی جزو امپراتوری عثمانی بوده‌اند (شکوهی، ۱۳۹۰: ۴).

تحلیلگران این سیاست خارجی جدید ترکیه را به مثابه نقش آفرینی جدید آنکارا در معادلات جهانی ارزیابی می‌کنند. از این رو، سیاست خارجی جدید ترکیه با عنوان نئوعثمانی‌گرایی تعریف شده که دارای ویژگی‌های زیر است:

ترکیه به ایجاد یک کانال مثبت برای بحث در مورد مسأله هسته‌ای ایران منجر شد. چالش عراق در سال ۲۰۰۷ این ترس را برانگیخت که این بحران تأثیر منفی بر روی روابط ترکیه با دیگر کشورهای همسایه بر جای گذارد. با این حال، دولت حزب عدالت و توسعه هم اکنون روابط سازنده‌ای با گروه‌های مختلف مذهبی در عراق، از جمله کردها، ترکمن‌ها و سنی‌ها برقرار کرده است. در این راستا، ترکیه نقش فعالی در ایجاد انگیزه در گروه‌های سنی برای شرکت در آخرین انتخابات در عراق ایفا کرد؛ با آنکه این گروه‌ها قبلاً رفراندوم قانون اساسی را تحریم کرده بودند. البته، با وقوع تحولات جاری در کشور عراق و تشدید درگیری‌های قومی و فرقه‌ای در این کشور و موضع‌گیری دولت ترکیه در قبال این تحولات، امکان ایجاد تغییر در روابط دو کشور وجود دارد.

#### سیاست‌های چند بعدی

اصل سوم توسعه روابط با مناطق همجوار و فراتر از آن است. در طول دوران جنگ سرد که قطب بندی ساکن مشخصه اصلی نظام بین‌الملل بود، ترکیه نیز به دنبال سیاست خارجی تک بعدی و تک آهنگ بود؛ به گونه‌ای که تمرکز اصلی سیاست خارجی ترکیه بر روی امنیت متمرکز شده بود. پایان جنگ سرد، گسترش افق‌های سیاست خارجی ترکیه است. در طول دوران پس از جنگ سرد که سیستم بین‌المللی پویاتر شد و عقلانیت گسترش یافت، ترکیه علاوه بر امنیت بر روی روابط اقتصادی و فرهنگی تأکید بیشتری کرد؛ به گونه‌ای که در طول این دوران حجم تجارت ترکیه با اتحادیه اروپا، آمریکا و خاورمیانه به طور چشمگیری افزایش یافت. علاوه بر این، با باز شدن زمینه‌های جدید برای بازی ترکیه در دوران پس از جنگ سرد، ترکیه علاوه بر روابط سیاسی و نظامی

تهدید تروریسم که در آن گرایش عمومی شده‌ای برای محدود کردن آزادی به خاطر امنیت وجود دارد. نکته درخور توجه در این رابطه این است که ترکیه تا آنجا پیش رفته است که علاوه بر اصلاحات داخلی در گسترش دامنه آزادی‌های فردی، آشکارا کشورهای مسلمان را به اتخاذ اصلاحات دموکراتیک توصیه کرده است [۱].

#### تنش زدایی در سیاست خارجی منطقه‌ای

این اصل از سیاست خارجی ترکیه در چهار سال گذشته با موفقیت اجرا شده است؛ به گونه‌ای که روابط ترکیه با همسایگان خود هم اکنون مسیر صحیحی را در مقایسه با سال‌های گذشته دنبال می‌کند. روابط ترکیه با همسایگان خود، از جمله بلغارستان و روسیه (اتحاد جماهیر شوروی سابق) تا اوایل دهه ۱۹۹۰ و یونان، ایران، عراق و سوریه تا اواخر دهه ۱۹۹۰ کاملاً مشکل ساز شده بود. با این حال، شاهد افزایش چشمگیر در روابط با بلغارستان و روسیه در اوایل دهه ۱۹۹۰ پس از پایان جنگ سرد هستیم. هم اکنون، روابط روسیه و ترکیه در حال حرکت بر روی یک پلت فرم بسیار مثبت است؛ به گونه‌ای که حجم تجارت میان دو کشور به بیش از ۱۱ میلیارد دلار در سال رسیده است. روابط بلغارستان و ترکیه، به ویژه از زمانی که اقلیت ترک در دولت ائتلافی نماینده داشته است، در جو بسیار خوبی در حال پیگیری است. روابط با سوریه و یونان نسبت به اواخر دهه ۱۹۹۰ رو به بهبود گذاشته است؛ به خصوص پس از آنکه عبدالله اوجالان، رهبر پ.ک.ک. مجبور به ترک سوریه و مدتی پس از آن در کنیا دستگیر شد (Sozen, 2006: 19). روابط ترکیه با ایران همواره بیشتر متعادل و در سطح منطقی بوده است. در این راستا، گفتگوی سولانا و لاریجانی در

به روابط اقتصادی و فرهنگی فشرده با کشورهای تازه استقلال یافته آسیای مرکزی و قفقاز، بالکان و خاورمیانه وارده شده است. امروزه سیاست خارجی اولیه ترکیه (تک سستی) به طور کامل منسوخ شده و بهره‌برداری از پتانسیل‌ها و فرصت‌های جدید و پیشبرد منافع ملی ترکیه در دوران پس از جنگ سرد جایگزین آن شده است. در این معنا، سیاست خارجی ترکیه شروع به بهره‌برداری از سازمان‌های غیر دولتی در روابط خارجی این کشور کرده است. برای مثال، از جمله سازمان‌های غیر دولتی قدرتمند مانند توسیاد<sup>۱</sup>، موسیاد<sup>۲</sup>، توسکن<sup>۳</sup> و .... نقش بسیار سازنده‌ای در رایزنی و لابی برای شروع مذاکرات الحاق ترکیه به اتحادیه اروپا و همچنین، جذب سرمایه‌گذاری خارجی ایفا کرده‌اند (Grgoridis, 2010, 9). مجموعه این عوامل باعث شده است که ترکیه در امور خاورمیانه نه تنها در سطح ملی، بلکه در سطح اجتماعی نیز دارای نفوذ باشد. در این راستا، می‌توان به گفتگوی تلفنی ژانویه ۲۰۱۱ رجب طیب اردوغان با نبیه بری، سعد حریری و همچنین، سینیوره و حزب الله در طول بحران اخیر لبنان اشاره کرد. نمونه دوم چنین پیشرفتی را از اوایل سال ۲۰۰۳ تا ۲۰۱۰ در مورد عراق می‌توان مشاهده کرد. با توجه به تنش‌های موجود بین گروه‌های شیعه و سنی در عراق، بین آنها یک شکاف و تقسیم بندی شکل گرفته بود، در این راستا، ترکیه نقش فعالی برای پوشش این شکاف و حفظ یک خط سیاست متعادل نسبت به هر دو طرف را در پیش گرفت، اما در این تقسیم بندی خطرناک به هیچ طرفی متمایل نشد. این موضع ترکیه را می‌توان از سخنرانی

اردوغان در سال ۲۰۰۷ در اتحادیه عرب پس از دیدار از کشورهای ایران، سوریه، لبنان و عربستان سعودی درک کرد؛ آنجا که گفت سیاست‌های ترکیه خارج از تقسیم بندی شیعه و سنی قرار دارد (Davutoglu, 2008: 83). اما هم اکنون تغییرات محسوسی در سیاست خارجی ترکیه در قبال عراق مشاهده می‌شود. در واقع، تلاش ترکیه برای تأثیرگذاری بر روند سیاسی عراق به انتخابات پارلمانی ۲۰۱۰ میلادی عراق با حمایت از جناح‌های اهل سنت باز می‌گردد. ترکیه به عنوان کشوری که از سال ۲۰۰۳ تا ۲۰۱۰ میلادی به عنوان حافظ وضع موجود در عراق ایفای نقش می‌کرد، متوجه شد که این مسأله در کوتاه مدت و بلند مدت نه تنها به نفع این کشور نیست، بلکه به افزایش قدرت مانور، سایر بازیگران منطقه‌ای منجر خواهد شد؛ به همین علت سیاست خود در قبال عراق را تغییر داد و به جای سیاست بی طرفی و حفظ وضع موجود، با حمایت از جناح‌های اهل سنت، سیاست اعمال نفوذ به نفع این گروه‌ها را در پیش گرفت تا جایی که از خواست این گروه‌ها مبنی بر کناره‌گیری نوری المالکی از قدرت، حمایت کرد.

#### دیپلماسی انعطاف پذیر

در طول دوران جنگ سرد که امنیت متمرکز [۲] بود، گفتمان سیاست خارجی ترکیه نیز بر امنیت متمرکز شده بود. در طول دهه ۱۹۸۰ و بخش زیادی از دهه ۱۹۹۰، به ویژه هنگامی که ترکیه به شدت در مبارزه علیه پ.ک.ک. درگیر بود، گفتمان سیاست خارجی ترکیه بر اساس نوعی امنیت متمرکز ذهنیت‌گرا شکل گرفت (Sozen, 2010: 17). با این حال، به موازات جنگ با پ.ک.ک. روابط اقتصادی بین المللی ترکیه گسترش یافت، اصلاحات دموکراتیک اجرا شد و مهمتر از آن، روابط ترکیه و اتحادیه اروپا عمیق تر

<sup>1</sup> TUSIAD (The Turkish Industrialists and Businessman's Association)

<sup>2</sup> MUSIAD (The Independent Industrialists and Businessmen's Association)

<sup>3</sup> TUSKON (Confederation of businessman's and Industrialists of Turkey)

شد و گفتمان سیاست خارجی ترکیه شروع به جا افتادن کرد. تغییر گفتمان سیاست خارجی ترکیه را می‌توان به بهترین نحو در رابطه با قبرس مشاهده کرد. سیاست‌های حزب عدالت و توسعه در رابطه با قبرس تغییر بزرگی نسبت به سیاست خارجی سنتی ترکیه نشان داده است. حزب عدالت و توسعه با برنامه انتخاباتی به قدرت رسید که در آن سیاست حفظ وضع موجود در قبرس به عنوان راه حل را رد می‌کرد. در عوض، این حزب وعده داد که مشکل قبرس را حل کند. در همین راستا، پیشنهاد حزب عدالت و توسعه این بود که مدل بلژیکی باید به طور جدی برای حل مسأله قبرس در نظر گرفته شود. علاوه بر این، اردوغان نخست وزیر ترکیه بارها اعلام کرد که سیاست ترکیه در قبرس بر اساس فلسفه برنده-برنده است.

سیاست خارجی چند بعدی ترکیه به صورتی پایدار و محکم برای ۵-۴ سال گذشته برقرار شده و تا حد زیادی موفق بوده است. در مورد اتحادیه اروپا، اگرچه روند ادغام ترکیه در این اتحادیه آهسته پیش می‌رود، اما بن بست جدی ایجاد نشده و این روند به حالت تعلیق در نیامده است. روابط با فرانسه اگرچه به نظر می‌رسید پس از انتخابات فرانسه با مشکل مواجه شده، اما این بحران مورد انتظار به شیوه عمل گرایانه حل شد. به طور کلی روابط با اروپا همچنان ادامه دارد و همچنین، یک الگوی نهادینه شده از روابط نیز با روسیه پدید آمده است.

### دیپلماسی متوازن

اگر میزبانی ترکیه را در جلسات و سازمان‌های بین‌المللی از سال ۲۰۰۳ بررسی کنیم؛ توسعه جدی و پایدار ترکیه در زمینه دیپلماسی آشکار می‌شود. نشست سران ناتو و نشست سران سازمان کنفرانس

اسلامی تنها دو نمونه از این موارد هستند. در دوران دولت حزب عدالت و توسعه از نوامبر سال ۲۰۰۲ ترکیه شاهد تعداد بی‌سابقه‌ای بازدید کننده سطح بالا از این کشور بوده و همچنین، رکورد تعداد دیدارهای مقامات رسمی سطح بالای ترکیه به خارج از کشور را نیز داشته است. در طول سال ۲۰۱۰ نخست وزیر و وزیر امور خارجه ترکیه از بیش از ۴۰ کشور دیدار کردند و در مقابل ۹ رئیس جمهور، ۱۴ نخست وزیر و ۲۵ وزیر خارجه، برای بازدید رسمی به ترکیه سفر کردند (Sozen, 2010: 19). ترکیه دو بار در سطح وزیر امور خارجه و نخست وزیر به اتحادیه عرب دعوت شد و همچنین، توافقنامه ویژه‌ای با کشورهای عربی در نشست همسایگان عراق که در تاریخ ۲ نوامبر ۲۰۰۷ در استانبول برگزار شد، به امضا رساند. این توافقنامه شامل برنامه ریزی برای نهادینه کردن روابط میان همسایگان عراق و تشکیل انجمن ترکیه و عرب است. نمونه دیگر دیپلماسی متوازن ترکیه، ملاقات محمود عباس و شیمون پرز، رؤسای جمهور فلسطین و اسرائیل در آنکارا قبل از رفتن به نشست آنابولیس در ایالات متحده است. هدف ترکیه از اتخاذ اصول جدید در سیاست خارجی خود، دخالت مداوم در مسائل جهانی با استفاده از سیستم عامل‌های بین‌المللی است؛ که نشان دهنده تبدیل ترکیه از یک کشور مرکزی به یک قدرت جهانی است.

برای عملیاتی کردن این دکترین‌ها و نظریات، نخستین شرط لازم، داشتن یک دیپلماسی فعال است که برای اهداف سیاست خارجی ترکیه، طیف گسترده‌ای از اولویت‌ها را پوشش بدهد. چارچوبی که این دیپلماسی در آن عمل می‌کند، عبارت است از:



خارجی ذکر نکرده است (Morison, 2010: 3). ترکیه جمهوری اسلامی ایران را به عنوان یک متحد طبیعی در جنگ علیه تروریست‌های پ.ک.ک. (پژاک) در نظر می‌گیرد و همچنین، در تلاش برای حفظ وحدت ارضی عراق است (Uygur, 2008:6). آنکارا و تهران همچنین در برخی دیگر از نگرانی‌های سیاسی، به خصوص در رابطه با تجزیه طلبی کردها نیز با یکدیگر سهیم‌اند. از طرف دیگر، تلاش ترکیه برای کاهش وابستگی امنیت به ایالات متحده، انگیزه‌ای برای این کشور جهت ایجاد یک خط مستقل برای حل مشکلات امنیتی مربوط به ایران، فراهم می‌کند. ترکیه بارها اعلام کرده است که مخالف گسترش سلاح‌های هسته‌ای در خاورمیانه است و این نگرانی و مخالفت ترکیه به خاطر امکان تغییر توازن نظامی در منطقه است؛ چنین تغییری می‌تواند ماشه چکان مسابقه هسته‌ای و ترکیب مشکلات فعلی در خلیج فارس باشد (Uygur, 2008:6). از طرف دیگر، دولت‌های عرب در مورد افزایش نفوذ شیعه و حتی شکل‌گیری یک هلال شیعی در منطقه از فلسطین تا پاکستان نگرانند. در این راستا، ترکیه چنین تقسیم‌بندی را خطری برای ثبات و امنیت کل منطقه در نظر می‌گیرد و قصد دارد شکاف میان دولت‌های سنی عرب و جمهوری اسلامی ایران را پوشاند. بدین منظور، نگرش ترکیه با هدف پیدا کردن راه حلی برای مشکلات منطقه‌ای با استفاده از ابزار دیپلماسی چند بعدی و پویاست.

با توجه به گسترده‌تر شدن سیاست خارجی ترکیه، روابط این کشور با ایران به میزان درخور توجهی در بخش تجارت گسترش یافته و کوشش می‌شود از هر گونه تنش که می‌تواند مانع رشد اقتصادی ترکیه شود، جلوگیری به عمل آید. بین سال‌های ۱۹۹۱ و ۲۰۰۸ صادرات ترکیه از ۸۷ میلیون دلار به ۲ میلیارد دلار افزایش یافته؛ در حالی که واردات این کشور از

• امنیت، که امنیت مورد نظر ترکیه بازی با حاصل جمع صفر نیست (امنیت ترکیه به بهای کاهش امنیت کشورهای دیگر نیست).

• دفاع از این گفتمان که همه مسائل و مشکلات می‌تواند و باید با دیپلماسی و همکاری سیاسی حل و فصل شود.

• وابستگی متقابل اقتصادی که با توجه به اهمیت صلح و ثبات در رویکرد جدید، این یک ضرورت است.

• توازن فرهنگی و احترام متقابل.

آنچه که در این دیپلماسی بیش از هر چیز دیگری به چشم می‌آید و جلب توجه می‌کند، کوشش ترکیه برای مستقل نشان دادن بازی و روابط خارجی خود است؛ به طوری که ادعای یک شیوه سیاست خارجی مستقل و مدعی را داراست.

هم اکنون یکی از عوامل مهمی که می‌تواند، امنیت ملی ترکیه را که در قالب نئوعثمانی‌گرایی در سیاست خارجی آنکارا اجرایی شده است، با تهدید مواجه کند، طرح موضوع قدرت و توان هسته‌ای ایران است؛ زیرا به زعم ترکیه موضوع هسته‌ای ایران می‌تواند چالشی بزرگ بر سر اهداف این کشور در منطقه ایجاد کند. چرا که در این صورت ایران قادر است با در اختیار داشتن توان هسته‌ای، به هژمونی و برتری منطقه‌ای و نظامی در مقابل ترکیه دست یابد و ترکیه نیز ناچار خواهد بود با اتخاذ خویشتن‌داری استراتژیک، برتری ایران را در منطقه پذیرا گردد.

### سیاست خارجی ترکیه در قبال ایران

ترکیه به طور جدی صفحه جدیدی در روابط خود با ایران در دهه گذشته گشوده است؛ به گونه‌ای که هم اکنون گفتگو، همکاری و روابط خوب همسایگی با تهران در دستور کار آنکارا قرار گرفته و سند امنیت ملی ترکیه نیز ایران را به عنوان یک تهدید

صدور بیانیه تهران در پرتو همراهی با قدرت نوظهور جهان؛ یعنی برزیل و مخالفت با دور چهارم تحریم‌های شورای امنیت علیه ایران، به افزایش جایگاه منطقه‌ای و بین‌المللی ترکیه کمک فراوانی نموده است، اما اکنون واقعیت چیز دیگری است.

در واقع، روابط ایران و ترکیه در سال‌های اخیر بر اساس اصول بنیادین عدم مداخله در امور داخلی، همسایگی خوب و همکاری اقتصادی و نظامی بنا شده است. در نتیجه، دولت ترکیه و افکار عمومی در این کشور، تلقی از ایران به عنوان یک تهدید مستقیم خارجی ندارند (Ulgen, 2010:4). اما وقوع برخی تحولات در سیاست خارجی ترکیه در ماه‌های اخیر، سبب بروز چالش‌هایی در روابط دو کشور گردیده است که مهمترین آنها عبارتند از: چرخش این کشور به سوی غرب و آمریکا، استقرار سپر دفاع موشکی ناتو در خاک ترکیه و نیز مواضع ترکیه بر ضد بشار اسد و تحولات جاری در کشور سوریه و عراق. اتخاذ این گونه مواضع در عرصه سیاست خارجی از سوی ترکیه می‌تواند نقشی منفی در روابط با ایران داشته باشد.

#### برنامه هسته‌ای ایران و امنیت ملی ترکیه

از زمان اوج گرفتن بحران بین‌المللی در مورد تخلفات جمهوری اسلامی ایران از پیمان منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای و مقاصد این کشور برای دستیابی به سلاح‌های هسته‌ای در سال ۲۰۰۴، ترکیه از آغاز برنامه هسته‌ای ایران، از حق این کشور برای دستیابی به انرژی صلح آمیز هسته‌ای دفاع کرد. در این راستا، همچنانکه ایالات متحده و قدرت‌های اروپایی شروع به افزایش هشدار در مورد نظارت بر سایت‌های هسته‌ای ایران توسط آژانس بین‌المللی انرژی اتمی می‌کردند؛ دیپلمات‌های ترکیه در تلاش

۹۱ میلیون دلار به ۸/۲ میلیارد دلار، در نتیجه توافقنامه خرید گاز ترکیه از ایران افزایش یافته است. بنابراین، حجم تجارت بین دو همسایه در سال ۲۰۰۸ به ۱۰ میلیارد دلار رسیده؛ البته با کسری تجاری ۶ میلیارد دلار برای ترکیه (Ulgen, 2010: 3). از دیدگاه اقتصادی حجم داد و ستدهای اقتصادی دو کشور تا پایان سال ۲۰۱۱ فراتر از ۱۶ میلیارد دلار بوده و به گفته مقامات دو کشور سعی می‌شود تا سال ۲۰۱۵ این رقم به ۳۰ میلیارد دلار افزایش یابد (www.hamsharionline.ir). علاوه بر بهبود روابط تجاری، جمهوری اسلامی تمایل خود را برای باز کردن بازارهای این کشور برای سرمایه‌گذاران ترکیه نشان داده است. همچنین، تعداد موافقت‌نامه‌های همکاری امضا شده بین وزارتخانه‌های انرژی دو کشور ممکن است این امکان را برای شرکت نفت ترکیه در آینده نزدیک فراهم کند که در میدان‌های گازی پارس جنوبی امتیازاتی به دست آورد. یکی دیگر از پارامترهایی که ترکیه را از توسعه اقتصادی با همسایه جنوبی‌اش بهره‌مند می‌کند، گردشگری و توریسم است. ترکیه میزبان بیش از یک میلیون بازدیدکننده از ایران در هر سال است. همچنین، ایران مسیر مهمی برای حمل و نقل جاده‌ای ترکیه به سمت آسیای مرکزی است. در سال ۲۰۰۷ تعداد ۹۲۰۰۰ دستگاه کامیون از طریق مرزهای مشترک به ایران و فراتر از آن سفر کرده‌اند.

به طور کلی، جایگاه ایران در سیاست خارجی ترکیه در دوران حاکمیت حزب عدالت و توسعه به میزان در خور توجهی افزایش یافته است. امروز ایران سومین تأمین‌کننده انرژی ترکیه به شمار می‌رود و نقش‌آفرینی ترکیه در تحولات سیاست خارجی ایران، مانند میزبانی چندین دور از مذاکرات هسته‌ای ایران و میانجیگری فعال در این حوزه، مشارکت موثر در

به اتخاذ یک سیاست ترکیبی با هدف جلوگیری از درگیری‌های نظامی و همچنین، به حداقل رساندن خصومت علیه ایران اقدام کرد. بر این اساس، ترکیه به منظور حل و فصل بحران هسته‌ای ایران، خواستار ادامه دیپلماسی قبل از توسل به وسایل دیگر شد. در داخل این چارچوب، ترکیه از ایران خواسته است به همکاری کامل و شفاف با آژانس بین‌المللی انرژی اتمی ادامه دهد. به نظر می‌رسد اتخاذ این سیاست از سوی ترکیه، مهمترین عامل در واگرایی این کشور با متحدان غربی آن باشد (Altunisik, 2010: 3). با این حال، علی‌رغم وجود برخی محدودیت‌ها، موضوع هسته‌ای در روابط ایران و ترکیه، یک مزیت برای ترکیه است؛ چرا که باعث استنباط آنکارا از حسن نیت ایران در مسائل دو جانبه، به ویژه در مخالفت با ستیزه‌جویی کردها و اتمام معاملات انرژی که می‌تواند ترکیه را به کریدور کلیدی ترانزیت انرژی تبدیل کند، شده است (Hentove, 2009: 33).

این موضوع که چرا ترکیه نگران برنامه هسته‌ای ایران است و اینکه چرا اقدام به میانجیگری در این موضوع کرد، با مد نظر قرار دادن نگرانی از برهم خوردن توازن قدرت در منطقه به نفع ایران از یک سو و دکترین جدید حاکم بر سیاست خارجی ترکیه پس از به قدرت رسیدن حزب عدالت و توسعه از سوی دیگر قابل درک است. به عبارت دیگر، ترکیه نمی‌خواهد ایران به عنوان همسایه‌ای باثبات، به بهانه فعالیت‌های هسته‌ای، تهدید و نهایتاً وارد جنگ شود؛ وضعیتی که پیامدهای آن بر امنیت ملی ترکیه منفی خواهد بود و منافع اقتصادی و امنیت انرژی این کشور را نیز تهدید خواهد کرد.

به قدرت رسیدن حزب عدالت و توسعه در ترکیه و تغییر رویکرد سیاست خارجی این کشور در قبال خاورمیانه زمینه نزدیکی هرچه بیشتر دو کشور ترکیه و ایران را فراهم کرد. به طور ویژه، دو عامل در

برای انتقال پیام نگرانی به هم‌تایان ایرانی خود بودند. در ادامه، با اوج گرفتن موضوع برنامه هسته‌ای ایران در مجامع بین‌المللی، سیاست خارجی ترکیه در قبال برنامه هسته‌ای ایران نیز به یک نقطه بحرانی رسید؛ شکافی در میان سیاستمداران کمالیست نظامی و امنیتی جامعه از یک سو و محافل اسلامی در درون دولت از سوی دیگر رخ داد. در نتیجه دیپلمات‌های ترکیه آشکارا تصمیم خود مبنی بر اینکه رویکرد ترکیه در این رابطه در خط با اروپا؛ یعنی به دنبال راه حل دیپلماتیک برای این بحران است، را اعلام کردند (Murinson, 2006: 960). به دنبال اعلام این سیاست از طرف دولت ترکیه، این کشور از سال ۲۰۰۶ از طریق بیانیه‌های عمومی در تلاش برای ایفای نقش میانجیگری در مذاکرات بر سر برنامه هسته‌ای ایران برآمد. بدین منظور، عبدالله گل، رئیس‌جمهور فعلی و وزیر امور خارجه پیشین ترکیه، در ماه ژوئن سال ۲۰۰۶ با علی لاریجانی، دبیرشورای عالی امنیت ملی وقت دیدار و در مورد میانجیگری ترکیه صحبت کردند. در این دیدار، عبدالله گل پیشنهاد مذاکره میان نماینده عالی ایران و اتحادیه اروپا را در آنکارا داد. به دنبال این پیشنهاد، آنکارا میزبان خاویر سولانا، رئیس سیاست خارجی اتحادیه اروپا، محمد البرادعی، رئیس آژانس بین‌المللی انرژی اتمی و علی لاریجانی، دبیر شورای امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران بود. پس از این نشست، لاریجانی در یک کنفرانس مطبوعاتی تمایل خود را به قبول تلاش میانجیگرایانه ترکیه ابراز کرد و نقش این کشور در آزادی ملوانان انگلیسی توسط جمهوری اسلامی در تاریخ ۴ آوریل ۲۰۰۷ را یادآور شد. این بدین معناست که تلاش میانجیگرایانه ترکیه به مسأله هسته‌ای محدود نمی‌شود و می‌تواند به دیگر مسائل مهم، از جمله رابطه با ایالات متحده گسترش یابد (Bonab, 2009: 169). در ادامه میانجیگری در خصوص برنامه هسته‌ای ایران، آنکارا

گرفت. بنابراین با مد نظر قرار دادن سیاست خارجی جدید منطقه‌ای ترکیه در خاورمیانه با حاکم شدن حزب عدالت و توسعه و اشتیاق برای گسترش روابط در منطقه و صفر کردن مشکلات با همسایگان، جایگاه برنامه هسته‌ای ایران در سیاست خارجی ترکیه قابل تبیین است.

در مورد اینکه چرا جمهوری اسلامی ایران پیشنهاد میانجیگری ترکیه در پرونده هسته‌ای بین این کشور و غرب را پذیرفت، دلایل مختلفی وجود دارد. درک این دلایل ممکن است در پیش بینی واکنش‌های آینده ایران نسبت به پیشنهاد میانجیگری ترکیه کمک کند. نخستین دلیل، اعتماد نسبی ایران به ترکیه و به خصوص اعتماد به حزب عدالت و توسعه است. مقامات جمهوری اسلامی از حزب عدالت و توسعه درکی به عنوان یک دوست نسبت به نظام سیاسی ایران دارند؛ به ویژه مقامات جمهوری اسلامی برخی از کمالیست‌ها را به عنوان گروه‌های ضد مذهبی در ترکیه در نظر می‌گیرند. علاوه بر این، ایران در مورد انگیزه‌های پنهان کشورهای دیگر منطقه، به ویژه برخی کشورهای عربی و اسرائیل مشکوک است. گزارش‌های غیر رسمی وجود دارد که برخی از کشورهای عربی با وجود حمایت از ایران در بیانات رسمی خود، در بحث‌های خصوصی خواستار اعمال فشار بیشتر اروپایی‌ها و آمریکایی‌ها بر ایران هستند (Bonanb, 2009:172). دوم اینکه، ترکیه بارها اهمیت جمهوری اسلامی در منطقه را به رسمیت شناخته و نقش استحکام بخش و ثبات بخش ایران را انکار نکرده است. این در حالی است که دیگر کشورهای منطقه همچنان اصرار بر نقش بی‌ثبات کننده ایران در منطقه دارند و اصرار می‌کنند که تهران در مورد پیشنهاد میانجیگری این کشورها تردید دارد (Bonanb, 2009:173). سوم، درک ایران از

بهبود روابط ایران و ترکیه در سال‌های اخیر مؤثر بوده است: اول چارچوب راهبردی جدید که پس از جنگ عراق در سال ۲۰۰۳ ظهور کرد، باعث درک دو کشور از تهدید مشترک شد و به ایجاد روابط حسنه در مورد مسائل امنیتی کمک کرد. دوم تکامل سیاست خارجی ترکیه به سمت خاورمیانه تحت حکومت حزب عدالت و توسعه نیز منجر به بهبود روابط با ایران انجامید. سیاست جامع دولت حزب عدالت و توسعه در خاورمیانه، از جمله تمایل به صفر کردن مشکلات با همسایگان و همچنین، تأکید بر دیپلماسی و وابستگی اقتصادی متقابل است. به این ترتیب، ترکیه سیاست تعامل و گفتگو با ایران را در پیش گرفت و تلاش‌هایی نیز برای بهبود روابط اقتصادی با ایران انجام داد که در نتیجه این تلاش‌ها، حجم تجارت بین دو کشور در سال ۲۰۰۸ به ۱۰ میلیارد دلار افزایش یافت (Ulgen, 2010: 3). در این میان، ترکیه نگران نفوذ رو به رشد ایران در سیاست‌های خاورمیانه است. به همین دلیل، ترکیه به جای منزوی کردن ایران و یا ایجاد توازن قوا از طریق ضد اتحادها، تصمیم گرفت که به عنوان یک میانجی در صحنه سیاسی منطقه تلاش کند. سیاست ترکیه در تعامل با سوریه، میانجیگری در مناقشه اسرائیل و سوریه، نقش این کشور در جهت آشتی سیاسی در لبنان، تلاش‌های این کشور در جهت نزدیکی رهبران سوریه و عربستان سعودی به یکدیگر و تلاش این کشور برای ترمیم شکاف میان عراق و سوریه، همه می‌توانند در راستای این سیاست خاورمیانه‌ای ترکیه در نظر گرفته شوند. مهمتر از همه، تحول سیاست ترکیه نسبت به عراق بود که به برقراری روابط با همه احزاب در عراق از جمله شیعیان منجر شد؛ که این امر با هدف ایجاد توازن در شکل بندی جدید قدرت در خاورمیانه و به طور خاص در عراق صورت

و صدور بیانیه تهران، دیدار اخیر احمد داوود اوغلو، وزیر خارجه ترکیه و نظریه پرداز صفر کردن مشکلات با همسایگان از ایران در ۱۰ ژانویه ۲۰۱۲ و تلاش ترکیه برای از سرگیری مذاکرات هسته‌ای ایران با گروه ۵+۱، در جهت ایفای نقش منطقه‌ای ترکیه و نهایتاً منافع ملی این کشور است. در این راستا، ترکیه از یک طرف دیپلماسی میانجیگری خود را در منطقه در ارتباط با قدرت‌های منطقه‌ای، از جمله ایران تقویت می‌کند و از طرف دیگر، اهمیت استراتژیک خود را به عنوان بازیگری تأثیرگذار در نزد غرب ارتقا می‌دهد و بر همین اساس، از به هم خوردن موازنه قدرت به نفع ایران نیز جلوگیری می‌کند. در مجموع، به نظر می‌رسد که ترکیه با سیاست هسته‌ای خود تلاش خواهد کرد تا از یک طرف از ظهور بازیگران هسته‌ای در منطقه خاورمیانه به روشی مسالمت‌آمیز جلوگیری کند و از طرف دیگر، توان هسته‌ای صلح‌آمیز خود را نیز توسعه دهد (Sulik, 2012: 9).

### چشم انداز میانجیگری ترکیه در برنامه هسته‌ای ایران

اگرچه پتانسیل‌های زیادی برای نقش میانجیگری ترکیه پیرامون مسائل و فعالیت‌های هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران با توجه به تقویت روابط دو جانبه بین دو کشور وجود دارد و زمینه‌های منطقه‌ای و بین‌المللی نیز مناسب هستند، اما تعدادی محدودیت وجود دارد که هنگام در نظر گرفتن آینده نقش میانجیگریانه ترکیه در موضوع هسته‌ای ایران باید مورد توجه قرار گیرد: اول اینکه، مسائل کنترل تسلیحات، از جمله موضوعات سیاست بالا محسوب می‌شود و میانجیگری در این مسائل تعهد آسانی حتی برای قدرت‌های بزرگ نیست؛ به ویژه زمانی که میانجی از نفوذ سیاسی کافی در هر دو طرف برخوردار نیست؛ دوم اینکه فعالیت هسته‌ای ایران در

ترکیه به عنوان یک بازیگر مستقل تر در مقایسه با دیگر کشورهای منطقه؛ حتی از دیگر متحدان منطقه‌ای ایالات متحده است. تصویب موافقت‌نامه‌های انرژی بین ایران و ترکیه علی‌رغم فشارهای آمریکا تا به حال تأثیر بسیار مثبتی بر روی مقامات ایران نسبت به ترکیه داشته است و تا زمانی که ترکیه روابط مستقل و دو جانبه خود با ایران را ادامه دهد، این تصور و درک نیز ادامه خواهد داشت.

تلاش ترکیه برای ایفای نقش میانجی در مجادله هسته‌ای ایران با غرب و میزبانی مذاکرات هسته‌ای در این زمینه، اعتباری جهانی برای آنکارا به دنبال داشته است، که کنار گذاشتن این نقش برای ترکیه عقلانی به نظر نمی‌رسد. ترکیه در آستانه ورود به دروازه اتحادیه اروپا قرار دارد و برای عبور از آن نیازمند کسب اعتبارهای جهانی متعدد است. تلاش آنکارا برای ایفای نقش مؤثر در منطقه، به خصوص پس از بیداری اسلامی که از زمستان گذشته آغاز شده نیز گواهی بر این مدعا است. ترکیه به عنوان تنها عضو ناتو در خاورمیانه، در طول سال‌های گذشته در خصوص برنامه هسته‌ای ایران مواضع متفاوتی نسبت به غرب اتخاذ کرده است. به نظر می‌رسد که ارتقای اهمیت استراتژیک ترکیه در نزد غرب، به عنوان بازیگری تأثیرگذار در تحولات منطقه‌ای و جهانی از یک سو و ممانعت از برهم خوردن توازن قدرت در منطقه به نفع ایران از سوی دیگر، از دلایل اتخاذ سیاست میانجیگریانه و متفاوت ترکیه نسبت به برنامه هسته‌ای ایران باشد. در مورد برنامه هسته‌ای ایران، در آنکارا تصور بر این است که دستیابی ایران به توان هسته‌ای، موازنه قدرت را فوری و به طور جدی به نفع تهران تغییر خواهد داد (Sulik, 2012: 8). این تصور به خوبی تلاش‌های ترکیه را در راستای حل مسأله هسته‌ای ایران؛ البته به روش مسالمت‌آمیز نشان می‌دهد. نقش آنکارا در همکاری اخیر با برزیل

دستور کار گروه ۵+۱ قرار دارد؛ گروهی که شامل قدرت‌های بزرگ است که کنترل تسلیحات را به عنوان حوزه منحصر به فرد خود در نظر می‌گیرد؛ حتی در درون این گروه نیز رقابت وجود دارد. برای مثال، ایتالیا به عنوان یک قدرت صنعتی مهم اروپایی قادر به پیوستن به گروه ۵+۱ نیست. با در نظر گرفتن این مسأله، واضح است که قدرت‌های بزرگ آماده قبول میانجیگری یک بازیگر منطقه‌ای مانند ترکیه نیستند و ترجیح می‌دهند که از دوستان منطقه‌ای خود برای متقاعد کردن ایران به انعطاف‌پذیری استفاده کنند (Bonab, 2009:176). سوم اینکه، در طول جنگ سرد، طرح‌های منطقه‌ای در سیستم بین‌المللی توسط قدرت‌های سیاسی تحت الشعاع قرار می‌گرفت و فعالان منطقه‌ای قدرت کافی برای مدیریت بحران‌های منطقه‌ای نداشتند، اما در دوران پس از جنگ سرد توجه به صورت فزاینده‌ای به طرح‌های منطقه‌ای و مکانیزم‌های کنترل تسلیحات معطوف شده است و فعالان منطقه‌ای در برخی موارد قادر به مدیریت بحران‌های منطقه‌ای هستند. نقش میانجیگریانه ترکیه در مناقشه سوریه و اسرائیل بر سر بلندی‌های جولان و همچنین، تلاش‌های اسرائیل و پاکستان در جهت مصالحه را می‌توان در این چارچوب جدید درک کرد. بنابراین، با توجه به این چارچوب جدید و در نظر گرفتن این نکته که ایران در برخی بحران‌های منطقه‌ای مانند عراق، لبنان، آسیای مرکزی و افغانستان حضوری فعال دارد، شاید این تصور غیر واقعی باشد که این نوع از میانجیگری در کوتاه مدت مؤثر باشد. چهارم اینکه، میانجیگری در مورد فعالیت‌های هسته‌ای ایران در سال ۲۰۰۶، نتیجه اعتماد به نفس و بلند مدت ساختن اقدامات بین ترکیه و ایران نیست؛ بر خلاف انتظار، این میانجیگری می‌تواند بیشتر به عنوان یک عامل در نتیجه بهبود روابط دو جانبه میان کشورها در نظر گرفته شود. بنابراین، شکل آینده روابط ترکیه و

جمهوری اسلامی ایران، نقش ترکیه در موضوع هسته‌ای ایران را تعیین خواهد کرد. پنجم اینکه، بنا بر نظر برخی تحلیلگران، ترکیه رقیب بین‌المللی ایران در تمام جهان اسلام، بویژه در سوریه، عراق و افغانستان است (Qajar, 2012: 4) و از سوی دیگر، این کشور عضو ناتو است و توافقنامه استقرار سپر دفاع موشکی در خاک خود را امضا کرده است که به راحتی می‌تواند علیه ایران مورد استفاده قرار گیرد (Cevikalp, 2012: 5). این در حالی است که ترکیه و ایران در خصوص تحولات اخیر سوریه عمیقاً اختلاف نظر پیدا کرده‌اند و از طرف دیگر، ترکیه در یکی از آخرین تلاش‌های خود در راستای ادامه سیاست نزدیکی به غرب، به تحریم‌های ایالات متحده و اتحادیه اروپا در مورد صادرات نفت ایران پیوست (EU business.com, 2012). در نتیجه، به دنبال این وقایع، مقامات جمهوری اسلامی ایران به نقش ترکیه به عنوان میزبان برای مذاکرات بین‌المللی درباره برنامه هسته‌ای اظهار شک و تردید کرده‌اند و در عوض سوریه، عراق و چین را پیشنهاد کرده‌اند (Gladstone, 2012:3). بنابراین، با توجه به تحولات مذکور نقش مورد نظر ترکیه در کل این فرایند زیر سؤال رفته است.

### نتیجه‌گیری

به قدرت رسیدن اسلام‌گرایان از حزب عدالت و توسعه، نه تنها از نظر داخلی بیانگر وقوع تحولی مهم در ترکیه بود، بلکه بتدریج با گذشت زمان این مهم آشکار گردید که اسلام‌گرایان در سیاست خارجی ترکیه نیز به دنبال اهدافی هستند که برخی از پژوهشگران از آن به نئوعثمانی‌گرایی یاد کرده‌اند؛ دکترونی که از مهمترین مؤلفه‌های آن تلاش ترکیه برای احیای نفوذ خود در جهان اسلام و تبدیل شدن به یک بازیگر منطقه‌ای از طریق به حداقل رساندن اختلافات با کشورهای همسایه، گسترش روابط

### پی‌نوشت‌ها

[۱] در این رابطه احمد سزر، رئیس جمهور پیشین ترکیه در زمان برگزاری کنفرانس اسلامی در ژوئن ۲۰۰۴ که وزرای خارجه در استانبول گردهم آمده بودند، کشورهای اسلامی را به دموکراسی و اصلاحات دموکراتیک دعوت کرد.

[۲] به این معنی که تحلیل سنتی از امنیت با یک مفهوم محدود، در یک چارچوب فکری شدید دولت محور - آن هم با تهدیدهای خارجی - استوار بود. در این چارچوب تحلیلی امنیت شهروندان و توانایی‌های نظامی دولت متبوع در یک رابط مستقیم قرار داشت و هر قدر توانمندی نظامی دولت و توانمندی رقابت‌های نظامی دولت بیشتر می‌بود، شهروندان نیز بیشتر احساس امنیت می‌کردند.

### منابع

۱. خبرگزاری همشهری؛ افزایش صددرصدی مبادلات اقتصادی ایران و ترکیه تا ۲۰۱۵ در : <http://www.hamsharionline.ir/news/64278.aspx>
۲. دوئرتی، جیمز؛ و گراف، فالتز. (۱۳۷۲). نظریه متعارض در روابط بین‌الملل، ج ۱، ترجمه علی‌رضا طیب و وحید بزرگی، تهران: قومس.
۳. سیف زاده، حسین. (۱۳۸۵). نظریه‌های مختلف در روابط بین‌الملل، تهران: نشر سفیر.
۴. شکوهی، سعید. (۱۳۹۰). "بررسی مؤلفه‌های دکترین عمق استراتژیک داوود اغلو"، سایت بررسی استراتژیک
۵. <http://www.strategicreview.org/1390/02/25>
۶. صولت، رضا: "انقلاب‌های عربی و چالش‌های معمار سیاست خارجی ترکیه"، برگرفته از سایت <http://merc.ir>، تاریخ انتشار ۹۰/۱۲/۲۲
8. Altunisik, MellihaBenli (2010), "Turkish Policy toward Iran: What Is at Stake", Middle East Institute,:
9. [www.mei.edu/.../0/.../Turkey%20and%20Iran\\_Altunisik\\_04292010\\_1.pdf](http://www.mei.edu/.../0/.../Turkey%20and%20Iran_Altunisik_04292010_1.pdf)

تجاری و ایفای نقش میانجیگری در حل بحران‌های منطقه‌ای است. یکی از مهمترین آزمون‌ها برای سیاست خارجی ترکیه در چهارچوب دکترین نئوعثمانی گرای، موضوع برنامه هسته‌ای ایران است؛ موضوعی که به یکی از چالش‌های جدی روابط ایران با غرب در دوران ریاست جمهوری محمود احمدی نژاد تبدیل گردیده است. توضیح اینکه دولت ایران علی‌رغم تأکید بر احترام به قوانین بین‌المللی، بر این مهم تأکید داشته است که دستیابی به دانش هسته‌ای حق مسلم همه ملتها، از جمله ایران است. این موضع ایران سبب سیاست تهاجمی غرب و تصویب قطعنامه‌هایی علیه ایران گردید، ضمن اینکه غرب هیچ‌گاه باب مذاکره با ایران را مسدود نکرد. یکی از کشورهای که نقش میانجی در مذاکرات هسته‌ای ایران و غرب (گروه معروف به ۵+۱) را داشته است، ترکیه است. تأمل در سیاست خارجی ترکیه در قبال برنامه هسته‌ای ایران، بیانگر این مهم است که دیدگاه ترکیه دارای ماهیتی پارادوکسیکال در قبال برنامه هسته‌ای ایران است؛ بدین معنی که از یک طرف ترکیه می‌کوشد با ایفای نقش میانجی در مذاکرات ایران و گروه ۵+۱ از این موضوع برای تحقق هدف بازیگر منطقه‌ای خود استفاده کند، اما از سوی دیگر از آنجا که یکی از اهداف محوری ترکیه در چهارچوب دکترین نئوعثمانی‌گری تبدیل شدن به قدرت برتر منطقه‌ای است، این کشور نگران است تا ایران از طریق دستیابی به سلاح هسته‌ای، توازن قوا در منطقه را به نفع خود تغییر داده و کفه ترازو به نفع کشوری گردد که نگاه متفاوت به اسلام با ترکیه دارد. لذا ترکیه سعی دارد تا با میانجیگری از یک طرف به یک بازیگر منطقه‌ای تبدیل گردد و از طرف دیگر، با آگاهی از برنامه‌های هسته‌ای ایران، مانع از هرگونه تغییر توازن قوا در منطقه به نفع ایران و به ضرر خود گردد.

- news/69/bodyView/16269/0/Turkey: Iran%E%80%99s.No..1.Rival.in.Region.html
21. GLADSTONE, R. 2012. Iran Balks at Holding Nuclear Talks in Turkey. In New York Times: <http://www.nytimes.com/2012/04/05/world/middleeast/impact-of-iran-sanctions-widens.html>
  22. Loannis. N. Grogadis (2010), "The Davutoglu Doctrine and Turkish Foreign policy", Middle Eastern Studies Programme, Available at: <http://www.eliumep.gr>.
  23. Murison, Alexander, (2006), "The Strategic Depth in Turkish Foreign Policy", Middle Eastern Studies, Vol.42, NO.6, pp.945-964.
  24. Sozen, Ahmet (2010), "Shift in Turkish foreign policy: Transition and Challenges", Turkish studies, vol.11, no.1.
  25. Sozen, Ahmet (2006), "Changing Fundamental Principles in Turkish Foreign policy Making", Annual Conference of the International Studies Association, Available at: <http://ir.emu.edu.tr/staff/asozen/pub/updatecv.pdf>.
  26. Sulik, Rudolf (2012), "Mediation Capacity of Turkey as a Regional power", Culture Diplomacy centre, available at: [www.culturaldiplomacy.org/.../2012.../Mediation](http://www.culturaldiplomacy.org/.../2012.../Mediation)
  27. Uygur, Hakki (2008), "Iran's Nuclear Ambitions and Turkey", Policy Brief, February 2008, no.7.
  28. Ulgen, Sinan (2010), "Preventing the Proliferation of Weapons of Mass Destruction: What Role for Turkey", Transatlantic Academy Paper Series Available at: <http://www.transatlanticacademy.org>.
  29. Waltz .Kenneth,(1979) Theory of International Politics,69 New york:Mcg Raw.
  10. Altunisik, MellihaBenli (2010), "Turkey s Changing Middle East Policy", Middle East Technical University, Ankara,:
  11. [www.ucm.es/BUCM/revistas/cps/16962206/.../UNIS1010230149A.PDF](http://www.ucm.es/BUCM/revistas/cps/16962206/.../UNIS1010230149A.PDF)
  12. Elliot, Hentove, (2009), "Iran and Turkey", Available at: [www2.lse.ac.uk/IDEAS/publications/reports/pdf/SR007/iran.pdf](http://www2.lse.ac.uk/IDEAS/publications/reports/pdf/SR007/iran.pdf)
  13. Bonab, Rahman.G (2009), "Turkey s Emerging Role as a Mediator on Iran s Nuclear Activities", Insight Turkey, vol.11, no.3
  14. ÇEVİKALP, M. (2012), 'Ankara is Iran's rival whether it likes it or not'. In Today's Zaman: <http://www.todayszaman.com/news-273654-ankara-is-irans-rival-whether-it-likes-it-or-not.html>
  15. Morison, Ronald (2010), "Dialogue Snapshot "Iran and the Future of Turkish-U.S Relation" (2010), The Hollings Centre, Available at: [www.hollingscenter.org](http://www.hollingscenter.org)
  16. Davutoglu, Ahmet (2012), "Principles of Turkish Foreign Policy and Regional Political Structuring", Centre for strategic research: <http://sam.gov.tr/principles-of-turkish-foreign-policy-and-regional-political-structuring/>
  17. Davutoğlu, Ahmet(2010), "TURKISH FOREIGN POLICY AND THE EU IN2010, TURKISH POLICY QUARTERLY, vol8,
  18. Davutoglu, Ahmet (2008), "Turkey s Foreign Policy Vision: An Assessment of 2007", Insight Turkey, vol. 10, no. 1.
  19. EUBUSINESS.COM, 2012. US welcomes Turkey cutting Iran oil imports.<http://www.eubusiness.com/news-eu/turkey-iran-oil-us.fxe>
  20. QAJAR, M. A. B. 2012. Turkey: Iran's No. 1 Rival in Region. In IRANIAN DIPLOMACY:<http://www.irdiplomacy.ir/en/>